

همایش «خیزش فرزانتگان در برابر خردکشی» به منظور افشاجاری جنایات مشترک رژیم صهیونیستی و آمریکا در کشتار دانشمندان ایران و جهان با حضور اسانید برجسته داخلی و خارجی در تهران برگزار شد. یعقوب الصراف وزیر اسبق محیط زیست و سیاستمدار لبنانی در سخنانی در همایش خیزش فرزانتگان علیه خردکشی با اشاره به پیشینه تاریخی هدف‌گیری علما در تمدن‌ها گفت: «من به‌صورت مستقیم شاهد ترور شخصیت‌های برجسته لبنانی و کشته شدن آنها بودهام. این آغاز یک گسترده خردکشی است؛ پدیدایی که در تمدن‌های باستانی مانند بین‌النهرین و یونان هم سابقه داشته و حتی در جنگ‌های اول و دوم هم علماي برجسته به دلیل دانش و ظرفیت پژوهشی که داشتند هدف قرار می‌گرفتند. وی توضیح داد: از نظر لغوی، Sophicide یا خردکشی به معنای «قتل حکمت» است- در انگلیسی Sophia به معنای حکمت و پسوند-cide به معنای کشته شدن است. واژه‌های مشابه مانند «جنوساید» نیز به معنای نسل‌کشی است. این اصطلاح عمدتاً توسط سروکوبگران برای توجیه سرکوب خصومت‌های سیاسی و راهبردی و دستیابی به اهداف نظامی و سیاسی به‌کار می‌رود.

دامنه قربانیان خردکشی؟ از نظر به‌پرداز تا رسانه‌نگار
الصراف دامنه قربانیان خردکشی را گسترده توصیف کرد و گفت: به گمان من این پدیده شامل دانشمندان، نظریه‌پردازان، ریاضیدانان، پزشکان، مکتبرکان صنعتی، شخصیت‌های نظامی، افراد دارای تحصیلات دکتری و همه فعالان مرتبط مانند مورخان، علما و فیلسوفان می‌شود. همچنین شامل آن دسته از افرادی است که بر افکار عمومی

تاثیر می‌گذارند؛ مانند سیاستمداران، رهبران مذهبی و اصحاب رسانه. به عبارت دیگر، هر آنچه به حکمت مربوط است می‌تواند هدف قرار گیرد.

نمونه‌های معاصر و ایران در معرض توطئه‌ها

وی به تجربه‌های معاصر اشاره کرد: از جمله کشورهای که هدف توطئه‌های گسترده ترور دانشمندان بوده، ایران است. برخی از این توطئه‌ها ناکام ماندند، اما بسیاری نیز به نتیجه رسیدند.

بیش از ۱۶ محقق در زمینه‌های ریاضیات، فیزیک و انرژی هدف قرار گرفتند و این اقدامات مانع از دسترسی ایران به ظرفیت‌های پیشرفته و مختل‌کننده توان باراندازی و توسعه تحقیقات فناوریانه شد.

دیوید میلر استاد پیشین دانشگاه پرینستون: جامعه انگلیس به‌خوبی از نسل‌کشی در غزه آگاه است

در ادامه نشست بین‌المللی «خیزش در برابر خردکشی»، دیوید میلر، پژوهشگر و استاد پیشین دانشگاه پرینستون، با اشاره به فشارها و محدودیت‌های گسترده علیه نخبگان منتقد صهیونیسم در غرب گفت: من به دلیل انتقاد از صهیونیست‌ها و حمایت از فلسطین از دانشگاه پرینستون اخراج شدم. امروز در انگلستان شاهد حمله مستقیم به دانشمندان و روشنفکران هستیم. در غزه نیز صهیونیست‌ها همه پزشکان، خبرنگاران و مسئولان را هدف ترور قرار داده‌اند.

ترور، ابزار کنترل صهیونیست‌ها بر افکار عمومی
میلر با اشاره به سیاست حذف سیستماتیک مخالفان از سوی جریان صهیونیسم افزود: صهیونیست‌ها با سانسور، اخراج کارمندان و سلب مسئولیت از استادان دانشگاه‌ها تلاش می‌کنند همه عرصه‌های فکری و رسانه‌ای را کنترل کنند. جامعه انگلیس به‌خوبی می‌داند که در غزه چه اتفاقی می‌افتد؛ آنان شاهد نسل‌کشی هستند و می‌بینند که چگونه همه فلسطینی‌ها در معرض نابودی قرار گرفته‌اند.

پروژه اسرائیل بزرگ در مرحله جدید قرار گرفته است
این پژوهشگر انگلیسی در ادامه خاطرنشان کرد: صهیونیست‌ها پس از سال ۱۹۴۸ میلادی در پی تشکیل اسرائیل بزرگ‌تر بودند و اکنون برای تحقق همین هدف، بخش‌هایی از غرب آسیا را هدف قرار داده‌اند.

آنچه امروز شاهدیم، باز قاعدی پروژه اسرائیلی‌هاست که با هدف سلطه بر منطقه و تبدیل شدن به هم‌ژمن غرب آسیا در حال اجراء است.

صهیونیست‌ها در حال پاکسازی نخبگان منطقه‌اند

میلر تأکید کرد: اسرائیلی‌ها حمایت بین‌المللی خود را از دست داده‌اند و اکنون به سمت حذف نخبگان علمی و فکری منطقه رفته‌اند. هدف آن‌ها روشن است؛ نابودی معزهای متفکر و جلوگیری از رشد تمدنی ملت‌های مستقل. آنچه امروز می‌بینیم، باز قاعدی پروژه اسرائیلی‌هاست که با هدف سلطه بر منطقه و تبدیل شدن به هم‌ژمن غرب آسیا در حال اجراء است.

صهیونیست‌ها در حال پاکسازی نخبگان منطقه‌اند
میلر تأکید کرد: اسرائیلی‌ها حمایت بین‌المللی خود را از دست داده‌اند و اکنون به سمت حذف نخبگان علمی و فکری منطقه رفته‌اند. هدف آن‌ها روشن است؛ نابودی معزهای متفکر و جلوگیری از رشد تمدنی ملت‌های مستقل. آنچه امروز می‌بینیم، باز قاعدی پروژه اسرائیلی‌هاست که با هدف سلطه بر منطقه و تبدیل شدن به هم‌ژمن غرب آسیا در حال اجراء است.

سلیات آموزش عالی تایمز (Times Higher Education) در گزارشی با عنوان «Iran's 'fair' university entrance exam is exacerbating inequality» نظام سنجش و پذیرش در ایران را به‌عنوان عامل اصلی بازتولید نابرابری‌های آموزشی معرفی می‌کند. نویسنده با استناد به داده‌های درباره سهم بالای مدارس سمپاد و خصوصی در میان رتبه‌های برتر، تمرکز جغرافیایی نخبگان در کلان‌شهرها، و هزینه‌های سنگین کلاس‌های کنکور، نتیجه گرفته که از آزمون عدالت آموزشی را از بین برده است.

به نقل از ایسکانیوز؛ بی‌تردید بخشی از داده‌های ارائه‌شده واقعی و برگرفته از منابع داخلی است و برابری فرصت‌ها در آموزش ایران غیرقابل انکار است. با این حال، تحلیل تایمز دچار ساده‌سازی، سوگیری و نادیده گرفتن اصلاحات و مسیرهای متنوع پذیرش در ایران است. در این گزارش قصد داریم نقاط ضعف تحلیلی در گزارش تایمز را بر اساس شواهد و واقعیت‌های موجود نشان دهیم. تایمز می‌نویسد: ۷۸ درصد رتبه‌های برتر کنکور از مدارس سمپاد آمده‌اند و هیچ‌یک از منابع عادی دولتی سهمی در میان برترین‌ها نداشته‌اند. این امر هرچند قابل تأمل است، اما تنها بر رتبه‌های تک‌رقمی تمرکز دارد. واقعیت آن است که بیش از ۸۰ درصد ظرفیت دانشگاه‌های ایران خارج از رقابت نتگانتگن کنکور بر می‌شود؛ دانشگاه آزاد اسلامی، پیام نور، علمی کاربردی و بخش بزرگی از پردیس‌های دولتی، سال‌هاست پذیرش بدون آزمون یا با شرط معدل دارند. تایمز با نادیده گرفتن این بخش وسیع، کنکور را به‌گونه‌ای تصویر کرده که گویی تنها مسیر ورود به آموزش عالی است. در حالی که چنین نیست.

تمدن غرب آسیا بر محور جمهوری اسلامی ایران استوار است
میلر در بخش یابایی سخنانش اظهار داشت: آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان نیز با حمایت از صهیونیست‌ها در حال پیشبرد اهداف خود هستند. تمدن منطقه غرب آسیا بر محور جمهوری اسلامی ایران استوار است و اگر ایران نتواند از این تمدن دفاع کند، قادر خواهد بود در برابر طرح‌های سلطه‌جویانه آنان ایستادگی کند.

لایانگ زیانک: ایران دستوردهای گسترده‌ای در فناوری و علوم دارد

در ادامه نشست خیزش در برابر خردکشی، لایانگ زیانگ، پژوهشگر ارشد مرکز مطالعات آسیای غربی و آفریقا، با اشاره به سیاست‌های سرکوبگرانه علمی غرب گفت: غربی‌ها به دنبال انحصار دانش و جلوگیری از پیشرفت تکنولوژی در کشورهای دیگر هستند. تنها مسیر توسعه علمی در جهان جنوب، شکستن این انحصار و گسترش دسترسی به فناوری و علم به‌سرعت در حال پیشرفت است. ایران توانسته به دستاوردهای هسته‌ای و علمی مهمی نائل شود و این مسئله برای برخی محافل غربی ناخوشایند است، چراکه با تصور آنان از نظم دانشی جهانی در تضاد قرار دارد. این پژوهشگر چینی تأکید کرد: کشورهای جنوب جهانی باید همکاری‌های علمی خود را گسترش دهند و در عین حال، مدیریت سیاسی این ارتباطات را در دست بگیرند. ایران با اتکا به سیاست تابآوری و استقلال علمی خود توانسته در مسیر پیشرفت فناوری و علوم گام‌های مؤثری بردارد.

در همایشی بین‌المللی بررسی شد

پیشینه تاریخی و تعریف «خردکشی»

آیت‌الله عباس کیی عضو مجلس خبر گان رهبری: ترور و قتل دانشمندان، جنایت علیه بشریت و حمله به تمدن اسلامی است
آیت‌الله عباس کیی در سخنرانی خود در نشست «خیزش در برابر خردکشی» تأکید کرد که شهدای



دانشمند هسته‌ای ایران و دیگر دانشمندان برجسته هدف حملات هوایی و اقدامات وحشیانه رژیم‌های استبدادی و دشمنان جمهوری اسلامی قرار گرفته‌اند. وی این اقدامات را جنایت علیه بشریت و تهدیدی برای تمدن و نظام الهی اسلام دانست.

تاریخچه حملات به دانشمندان و کتابخانه‌ها
وی با مرور تاریخ، از حمله مغول‌ها به کتابخانه‌های

دانشمند هسته‌ای ایران و دیگر دانشمندان برجسته هدف حملات هوایی و اقدامات وحشیانه رژیم‌های استبدادی و دشمنان جمهوری اسلامی قرار گرفته‌اند. وی این اقدامات را جنایت علیه بشریت و تهدیدی برای تمدن و نظام الهی اسلام دانست.

آموزشی فراتر از کنکور است. برای مثال گزارش «شواهد شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۴۰۱، افزایش سهم سوابق تحصیلی و معدل دبیرستان در پذیرش دانشگاه‌ها مورد توجه قرار گرفت. هدف از این مصوبه کاهش فشار روانی و برقراری عدالت مطرح شد. گزارش تایمز کوچک‌ترین اشاره‌ای به این تحول مهم نکرده و همچنان کنکور را به‌عنوان یگانه تعیین‌کننده سرنوشت جوانان معرفی کرده است. این حذف، تصویر ایران را ایستا و اصلاح‌ناپذیر نشان می‌دهد، حال آنکه سیاست‌های آموزشی در سال‌های اخیر به‌وضوح در حال تغییر است. نویسنده کل بحران را به «کنکور و مافیای آموزش» نسبت می‌دهد. درست است که کلاس‌های خصوصی و کتاب‌های کمک‌آموزشی هزینه‌های سنگینی بر خانواده‌ها تحمیل می‌کنند؛ اما برخی پژوهش‌ها مانند گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد که ریشه نابرابری



تاکسون دارد و هدف آن جلوگیری از استقلال فناوری و پیشرفت تمدنی امت‌هاست.

صیانت از دانشمندان و تأسیسات علمی

وی گفت: جمهوری اسلامی ایران با مسئولیت حفظ و صیانت از دانشمندان و مراکز علمی، تلاش می‌کند علم را در خدمت توحید، عدالت و کرامت‌انسانی قرار دهد. این اقدامات در سه سطح امنیت نرم‌افزاری و سایبری، حفظ داده‌های راهبردی و ترویج فرهنگ علم و عالم انجام می‌شود.

حیات علیه بشریت و قوانین بین‌المللی

کیی این اقدامات را مصداق جنایت علیه بشریت دانست و با استناد به قوانین بین‌المللی، از جمله پروتکل‌های جنگی، میثاق‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و اساننامه دادگاه بین‌المللی، تأکید کرد که نابودی سیستماتیک نخبگان و مراکز علمی و فرهنگی یک ملت، جنایت جنگی و حمله به تمدن انسانی محسوب می‌شود.



جنایت علیه انسان کامل و دانشمندان

کیی تأکید کرد: جنایت علیه دانشمندان، نه تنها جنایت انسانی بلکه خیانت به نظام الهی است. اسلام، به اندازه علم و دانش اهمیت می‌دهد و میزان بینداری به اندازه بهره‌گیری از علم و دانش سنجیده می‌شود.

بر بازتولید نابرابری دارند. کنکور بیشتر «پنهانی» است که پزشکان و پژوهشگران نمونه‌های متعددی از قرن بیستم

نقدی بر گزارش تایمز درباره کنکور در ایران

بنابراین، تصویر تک‌خطی تایمز از «کنکور به‌عنوان سد مطلق» با واقعیت تطابق ندارد. تایمز فقط به این اشاره گذرا دارد که کنکور روزگاری به‌عنوان ابزار عدالت آموزشی طراحی شد، اما هیچ توضیحی درباره اهمیت تاریخی آن نمی‌دهد. پیش از برگزاری کنکور، پذیرش استنادها در ایران غالباً تحت نفوذ روابط شخصی و سیاسی بود. کنکور به‌عنوان یک آزمون سراسری و شفاف این روند را متوقف کرد و امکان رقابت برای دانش‌آموزان شهرویی کوچک را فراهم ساخت. هرچند این کارکرد در سال‌های اخیر تضعیف شده، اما نمی‌توان آن را نادیده گرفت. گزارش تایمز با حذف این بُعد، کنکور را کاملاً منفی ترسیم کرده است.

یکی از بخش‌های بحث‌برانگیز گزارش، انتقاد از سهمیه‌های ایثارگران و خانواده‌های شهداست. تایمز می‌نوسد این سهمیه‌ها نوعی نابرابری جدید ایجاد کرده‌اند.



پیام پایانی و دعا برای شهدای دانشمند
کیی سخنرانی خود را با دعای سلامتی و رحمت برای شهدای دانشمند و گرامیداشت مقام آنان به پایان برد و گفت: خرد و دانش انسان‌ها، میراث تمدن بشری است و باید با همه توان از آن حفاظت کرد.

سخنان تیم آندرسون استاد اقتصاد سیاسی از استرالیا

تیم آندرسون استاد استرالیایی هم در این همایش گفت: همکاران گرامی، دانشمندان و مدافعان حرمت علم، رنگ خطر باید برای همه ما به صدا درآید. ایالات متحده آمریکا دیگر پیشرو در فناوری با تولید در جهان نیست؛ این را می‌دانیم، اما این کشور همچنان در حوزه‌های مالی از طریق هژمونی دلار و در زمینه رسانه و پروپاگاندا تسلط دارد. به همین دلیل، شاید جای تعجب نباشد که پس از قتل حدود ۲۰ دانشمند ایرانی در جنگ اسرائیل در ژوئن سال جاری، وقتی به منابع آمریکایی نگاه می‌کنیم، با سازمان به نام «مؤسسه علم و امنیت بین‌المللی» مواجه می‌شویم- یک سازمان به‌اصطلاح غیردولتی مستقر در واشنگتن- که این قتل‌ها را به‌عنوان گامی به سوی صلح و امنیت جهانی ستایش می‌کند. این مؤسسه، که به اختصار «ISIS» نامیده می‌شود، ادعا می‌کند که قتل این ۲۰ دانشمند، که به دروغ متهم به ساخت تسلیحات هسته‌ای شده‌اند، ایران را در تخصص غیرقابل جایگزین در غنی‌سازی اورانیوم و تجربه مدیریتی دشوار محروم کرده است.

این سازمان خود را مستقل معرفی می‌کند و مدعی پیگیری دو هدف والااست: یکی، ترویج صلح بین‌المللی و دیگری، تدوین استراتژی‌های معتبر برای حل مشکلات امنیتی آمریکا، منطقه‌ای و جهانی. در این زمینه، باید گزارش کنیم که ماه گذشته، در سپتامبر ۲۰۲۵، افتخار حضور در تهر را داشتم. خانه پروفسور احمد رضا ذوالفقاری دارایی، فیزیکدان برجسته هسته‌ای، را دیدم. در آنجا، در اولین روز حمله غافلگیرانه اسرائیل در ژوئن، پروفسور، تمام اعضای خانواده‌اش و چهار خانواده همسایه در یک حمله ویرانگر کشته شدند. این همان چیزی است که نهادهای علمی در واشنگتن، که ظاهراً نخبگان دانش هستند، امروزه از آن حمایت می‌کنند.

ما نه‌تنها با این حملات مرگبار علیه دانشمندان، روشنفکران مستقل و افرادی که در راستای منافع ملی خود، به دنبال پیشرفت علمی هستند، مقابله می‌کنیم، بلکه کل این فرآیند به‌عنوان یک قرب «تسلیمات کشتار جمعی» هدف قرار گرفته تا حملات علیه ایران را توجیه کند. علاوه بر این خشونت‌ها، ما با ماشین پروپاگاندای بی‌رحمی مواجه هستیم که چنین وحشی‌گری‌هایی را عادی‌سازی می‌کند. به همین دلیل است که من کملاً از این پروژه حمایت می‌کنم؛ مقابله با تئوریسم علمی و انحصارطلبی، تضمین ایمنی و آزادی دانشمندان و خانواده‌هایشان، رد انحصارهای علمی و تضمین ارتباطات علمی، این‌ها اصولی هستند که در جهان امروز باید بدیهی تلقی شوند، نه اینکه رژیم اسرائیل-این رژیم نسل‌کش، دولت هسته‌ای یابی- را که در حال انجام نسل‌کشی در غزه و لبنان است و ادعای ترویج صلح و امنیت منطقه‌ای دارد، عادی‌سازی کنیم.

برای مردم شکستن این نظام، به‌ویژه انحصار پروپاگاندای ایالات متحده، نیازمند همکاری بی‌سابقه‌ای در میان رسانه‌های مستقل و ملت‌های آزاده جهان هستیم. ایالات متحده، اگرچه در حال افول است، همچنان در شکل‌دهی به روایت‌ها بسیار قدرتمند است. جنگ‌های تجاوزکارانه را با پوشش اهداف اخلاقی، -چه از طریق پلانه‌های تکراری «تسلیمات کشتار جمعی» و چه توجیهات جدید برای سلطه، توجیه می‌کند.باید ما در تهران حرقه یک بیداری جهانی را بزنیم.

فارغ از درستی یا نادرستی این نقد، آنچه در گزارش غایب است، بافت تاریخی و اجتماعی این سیاست است. سهمیه‌های ایثارگران محصول دفاع مقدس هشت‌ساله ایران در برابر و حمایت اجتماعی از خانواده‌های شهدا است. نادیده گرفتن این واقعیت و نگاه به موضوع صرفاً از منظر رقابت آموزشی، نشان‌دهنده سوگیری فرهنگی و قضاوت پرهیزی است. گزارش براین است: «تحلیل‌های اخیر» با «آمرای‌های منتشرشده» سخن می‌گوید، اما منبع دقیق آنها را ذکر نمی‌کند. در حالی که در پژوهش علمی و روزنامه‌نگاری، حرجی‌استنادها در یک منبع ضروری است، این ضعف باعث می‌شود نتایج ارائه‌شده از سوی تایمز در معرض تردید قرار گیرد. برای نمونه، عدد «بیش از نیمی از رتبه‌های برتر از ۱۰ درصد تئورئتمند جامعه» بدون ذکر منبع رسمی بیان شده است. تایمز در بخشی از گزارش تأکید می‌کند که نظام سهمیه‌بندی منطقه‌ای در ایران وجود دارد و قرار است به نفع مناطق شهروا عمل کند، اما بلافاصله نتیجه می‌گیرد که این سیاست کارآمد نیست. این تناقضی بدون ارائه شواهد یا تحلیل کافی رخ داده است. واقعیت آن است که سهمیه‌بندی منطقه‌ای هرچند کامل نیست، اما در عمل هزاران دانشجو از مناطق محروم را وارد دانشگاه‌های دولتی کرده است.

گزارش تایمز درباره کنکور ایران نقاط روشنی دارد: هزینه‌های سنگین کلاس‌های خصوصی گرفته تا تمرکز فرصت‌ها در کلان‌شهرها این موارد واقعیت‌هایی هستند که پژوهشگران داخلی نیز آنها به این‌اشاره کرده‌اند. اما مشکل گزارش، یک‌سوینگری و ساده‌سازی مغرط است. کنکور تنها مسیر ورود به دانشگاه در ایران نیست، بلکه در حال حاضر بخشی از جایگاه خود را به سوابق تحصیلی و انگذار کرده است. نابرابری آموزشی در ایران بیشتر ناشی از تفاوت امکانات اقتصادی و منطقه‌ای است تا صرفاً وجود کنکور. افزون بر این، حذف زمینه‌های تاریخی و اجتماعی سهمیه‌ها، نبود شفافیت در منابع داده گزارش تایمز را به یک روایت ناقص بدل کرده است. واقعیت پیچیده‌تر از آن است که یک آزمون را علت همه نابرابری‌ها بدانیم. نقد منصفانه مستلزم آن است که هم کاستی‌های کنکور دیده شود، هم اصلاحات جاری و ظرفیت‌های متنوع نظام آموزش عالی ایران. تنها با چنین نگاهی می‌توان تصویر کامل‌تری از فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی جوانان ایرانی ارائه کرد.

صفحه ۷

پنجشنبه ۲۴ مهر ۱۴۰۴

۲۳ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷ - شماره ۲۳۹۸۰

بار آموزش عالی بر دوش غیردولتی‌ها

بیش از ۴۰ درصد دانشجویان ایران در دانشگاه‌های غیردولتی تحصیل می‌کنند. یعنی از حدود سه میلیون و ۵۰۰ هزار نفر، یک میلیون و ۴۰۰ هزار نفر در مراکز علمی دانشگاه آزاد و حدود ۳۰۰ هزار نفر در دانشگاه‌های غیرانتفاعی مشغول به تحصیل هستند.

از آنجایی که پذیرش دانشجویان در دانشگاه‌های غیردولتی، بخشی از هزینه‌های دولت را کاهش می‌دهد، لازم است که دولت هم برنامه‌ای حمایتی برای این مراکز داشته باشد. به خصوص که اصل سیام قانون اساسی، دولت را مکلف به تأمین آموزش عالی رایگان تا سرحد خودکفایی کرده و در عین حال، ممنوعیتی برای حمایت از بخش غیردولتی اعلام نشده است. برای مثال، ماده ۳۴ قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، به‌رهمندی دانشجویان غیردولتی از امکانات پارانه‌ای مشابه دانشجویان دولتی را ممکن ساخته است.

در این ماده آمده است که کلیه دانشجویان دانشگاه‌های غیرانتفاعی-غیردولتی که از طریق کنکور سراسری پذیرفته می‌شوند، دانشجویان دوره‌های شبانه و دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی از امکانات پارانه‌ای نظیر دانشجویان دانشگاه‌های دولتی بهره‌مند می‌گردند.

دانشگاه‌های وزارت علوم با ۳۷ هزار و ۸۶۹ (۴۹ درصد) مستند علمی در مراجع بین‌المللی در سال ۲۰۲۳ بیشترین سهم از کل مستندات علمی کشور در مراجع بین‌المللی داشته‌اند. وزارت بهداشت ۲۷ هزار و ۵۷۹ (۲۵.۷ درصد) مستند علمی و دانشگاه آزاد ۱۱ هزار و ۲۰۷ مستند علمی در مراجع علمی بین‌المللی در همان سال داشته‌اند. به عبارت دیگر، ۱۴ درصد کل تولیدات علمی کشور در دانشگاه آزاد تولید می‌شود.

کارشناسان مرکز پژوهش‌های مجلس معتقدند که با توجه به پذیرش بخش گسترده‌ای از دانشجویان کشور در مراکز آموزش عالی غیردولتی و کاهش بار مالی دولت در تأمین آموزش عالی و همچنین مشارکت ۱۴ درصدی این مراکز در تولید علمی، لازم است دولت حمایت‌های لازم از بخش غیردولتی آموزش عالی را داشته باشد. چرا که این مراکز، ظرفیت کشور برای دستیابی به خودکفایی علمی را تقویت می‌کنند و با تنوع در ارائه برنامه‌های آموزشی و پژوهشی، به ویژه در رشته‌های مورد نیاز بازار کار و مناطق محروم، می‌تواند برای رفع نیازهای ملی و منطقه‌ای کمک‌رسان باشد.

به نقل از ایسکانیوز؛ تاکنون اقداماتی حمایتی از دانشجویان دانشگاه‌های غیردولتی انجام شده است. برای مثال، صندوق رفاه دانشجویان وزارت علوم در سال ۱۴۰۲، حدود ۶۱ میلیارد تومان به دانشجویان دانشگاه آزاد و ۳۷ میلیارد تومان به دانشجویان دانشگاه‌های غیرانتفاعی تسهیلات پرداخت کرده است. همچنین، صندوق رفاه دانشجویان وزارت بهداشت ۳۱ میلیارد تومان وام شهرویه به دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی اختصاص داده است. با این حال، این ارقام تنها بخش کوچکی از نیازهای واقعی دانشجویان بخش غیردولتی را پوشش می‌دهد.

کارشناسان معتقدند که چارچوب قانونی و سیاستی فعلی کشور در حوزه‌های حمایتی آموزش عالی، عمدتاً بر رویکرد حمایت از دانشجو متمرکز بوده و در حوزه حمایت راهبردی از مؤسسات دچار ضعف و خلأ است. علاوه بر این، ضعف‌هایی نظیر محدودیت دامنه شمول حمایت‌ها، فقدان شفافیت در تخصیص اعتبارات، عدم حمایت هدفمند از دانشجویان کم درآمد و کم توجهی به کیفیت آموزشی و نیازهای ملی در فرآیند تخصیص حمایت‌ها، اثربخشی این حمایت‌ها را نیز دچار چالش کرده و تأمین منافع دولت و حاکمیت را با تردید مواجه می‌سازد.



بررسی تجربیات بین‌المللی در زمینه حمایت از آموزش عالی در جهان نشان می‌دهد که کشورهای مختلف با توجه به ساختار اقتصادی، فرهنگی و سیاسی خود، رویکردهای متفاوتی را در حمایت مالی از آموزش عالی غیردولتی اتخاذ کرده‌اند. برای مثال، در آمریکا که همواره در رتبه‌بندی‌های جهانی مانند QS و Times به دلیل کیفیت بالای آموزشی و پژوهش‌های پیشرفته در جایگاه‌های برتر قرار دارد، نظام آموزش عالی به شدت مبتنی بر قاعده شهریه‌های بالا و یارانه‌های زیاد است. در این کشور، آموزش عالی غیردولتی نقش بسیار پررنگی ایفا می‌کند و بخش عمده‌ای از دانشگاه‌های مطرح، خصوصی هستند. دولت فدرال و دولت‌های ایالتی از طریق رویکردی چندوجهی، هم از مؤسسات غیردولتی و هم از دانشجویانشان حمایت می‌کنند. این حمایت از طریق گرنت‌ها و قراردادهای تحقیقاتی قابل توجه (مانند کمک‌های بنیاد ملی علوم و مؤسسه ملی سلامت) به دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی غیردولتی صورت می‌گیرد که بخش مهمی از بودجه پژوهشی آنها را تأمین کرده و به ارتقای کیفیت و اعتبارشان کمک می‌کند.

همچنین، بسیاری از دانشگاه‌های غیرانتفاعی از معافیت‌های مالیاتی بهره‌مند هستند که امکان صرف منابع بیشتری را برای اهداف آموزشی و پژوهشی فراهم می‌آورد. در بُعد حمایت از دانشجو نیز، دولت از طریق کمک‌های مالی مبتنی بر نیاز و شایستگی (مانند وام‌های دانشجویی، کمک‌های بلاعوض و بورسیه‌های تحصیلی) به افزایش دسترسی به آموزش عالی کمک می‌کند. این رویکرد باعث شده است که بخش خصوصی نقش پررنگی در آموزش عالی این کشور ایفا کرده و مؤسسات غیردولتی بتوانند با جذب دانشجویان بیشتر، منابع مالی خود را افزایش دهند.

در مقابل، در آلمان، که به دلیل ارائه آموزش رایگان یا کم‌هزینه یکی از مقاصد اصلی دانشجویان محسوب می‌شود، قاعده شهریه به پایین و یارانه اندک حاکم است. سیستم آموزش عالی آلمان، عمدتاً دولتی است و دانشگاه‌های عمومی بخش اعظم دانشجویان را پوشش می‌دهند؛ دولت عمده هزینه‌های آموزش عالی را از طریق بودجه عمومی تأمین می‌کند و شهریه‌های بسیار پایینی از دانشجویان دریافت می‌شود. با این حال، تعداد محدودی از دانشگاه‌های خصوصی نیز در سال‌های اخیر رشد کرده‌اند. حرجی‌استنادها در یک منبع ضروری است، این ضعف باعث می‌شود نتایج ارائه‌شده از سوی تایمز در معرض تردید قرار گیرد. برای نمونه، عدد «بیش از نیمی از رتبه‌های برتر از ۱۰ درصد تئورئتمند جامعه» بدون ذکر منبع رسمی بیان شده است. تایمز در بخشی از گزارش تأکید می‌کند که نظام سهمیه‌بندی منطقه‌ای در ایران وجود دارد و قرار است به نفع مناطق شهروا عمل کند، اما بلافاصله نتیجه می‌گیرد که این سیاست کارآمد نیست. این تناقضی بدون ارائه شواهد یا تحلیل کافی رخ داده است. واقعیت آن است که سهمیه‌بندی منطقه‌ای هرچند کامل نیست، اما در عمل هزاران دانشجو از مناطق محروم را وارد دانشگاه‌های دولتی کرده است.

گزارش تایمز درباره کنکور ایران نقاط روشنی دارد: هزینه‌های سنگین کلاس‌های خصوصی گرفته تا تمرکز فرصت‌ها در کلان‌شهرها این موارد واقعیت‌هایی هستند که پژوهشگران داخلی نیز آنها به این‌اشاره کرده‌اند. اما مشکل گزارش، یک‌سوینگری و ساده‌سازی مغرط است. کنکور تنها مسیر ورود به دانشگاه در ایران نیست، بلکه در حال حاضر بخشی از جایگاه خود را به سوابق تحصیلی و انگذار کرده است. نابرابری آموزشی در ایران بیشتر ناشی از تفاوت امکانات اقتصادی و منطقه‌ای است تا صرفاً وجود کنکور. افزون بر این، حذف زمینه‌های تاریخی و اجتماعی سهمیه‌ها، نبود شفافیت در منابع داده گزارش تایمز را به یک روایت ناقص بدل کرده است. واقعیت پیچیده‌تر از آن است که یک آزمون را علت همه نابرابری‌ها بدانیم. نقد منصفانه مستلزم آن است که هم کاستی‌های کنکور دیده شود، هم اصلاحات جاری و ظرفیت‌های متنوع نظام آموزش عالی ایران. تنها با چنین نگاهی می‌توان تصویر کامل‌تری از فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی جوانان ایرانی ارائه کرد.